

# جناب علی مطهری و سندروم «و ام<sup>۳</sup> پاکستان»!

به گزارش [شبکه اطلاع رسانی هرمز](#) و به نقل از [فارس](#)، شاگرد تنبلی روز امتحان جغرافیا جز فصل اول کتاب مابقی را نخوانده بود. معلم از او پرسید: پاکستان کجاست؟ جواب داد: پاکستان کشوری است در جنوب شرقی ایران که پایتخت آن اسلام آباد است، مساحتش فلان قدر است و جمعیتش فلان تعداد.

معلم خوشحال شد و آفرینی گفت. ادامه داد که: افغانستان کجاست؟ شاگرد تنبل جواب داد: افغانستان کشوری است در شمال پاکستان... و اما پاکستان: کشوری است در جنوب شرقی ایران، پایتختش اسلام آباد است، مساحتش فلان و....

معلم با تعجب به شاگرد نگاهی کرد و گفت: خب! هندوستان کجاست؟ شاگرد، سینه ای صاف کرد و پاسخ داد: هندوستان کشوری است در جنوب شرقی پاکستان... و اما پاکستان: کشوری است در جنوب شرقی، پایتختش اسلام آباد و الی آخر...

حکایت آقای علی مطهری ظاهراً حکایت همان شاگرد تنبل است با آن قافیه نمکین «...و اما پاکستان». گویی از عالم سیاست جز چند گزاره و برداشت غیرمنطقی از حوادث سال 88 چیزی در انبان تجربه نیندوخته و به نحو طنزآلودی، هر حادثه و رخداد جدید در حوزه سیاست را به همان گزاره های غیرمنطقی ذهن خود مرتبط می سازد و نتایجی می گیرد که حقیقتاً مرغ پخته را هم به خنده وامی دارد.

همانند بسیاری از مسئولان و منتسبان به دولت که بواسطه عصبانیت از عدم حضور برخی رسانه های منتقد در نمایشگاه مطبوعات امسال، به جای سؤال از چرایی این عدم حضور، رسانه ها را نواختند؛ آقای مطهری نیز برای عقب نماندن از قافله - البته اندکی با تاخیر- مطلبی را در صفحه شخصی خود در این باره منتشر کرده که از زوایایی واقعاً مایه انبساط خاطر است. او نوشته است:

«تحریم نمایشگاه مطبوعات توسط برخی نشریات و خبرگزاریهای ولایتمدار و کسانی که همواره دم از حفظ نظام میزنند و هرگونه اعتراضی را نوعی مخالفت با اصل نظام و حتی براندازی تلقی میکنند، گرچه غیرمنتظره و غیر ضروری بود و اعتراضات آنها در حد تحریم

نبود، اما از یک نظر پدیده مبارکی بود و آن این که بالاخره این منادیان سینه‌چاک ولایتمداری و حفظ نظام پذیرفتند که در جمهوری اسلامی حق اعتراض به رسمیت شناخته شده است و هرگونه اعتراض را نمی‌توان و نباید مبارزه با نظام و براندازی نامید. قطعاً این افراد و گروه‌ها که در چهره معترض ظاهر شده‌اند اکنون بهتر درک می‌کنند که آنهایی که در سال 88 به روند انتخابات اعتراض داشتند برانداز نبودند و تهمتهایی که در این چند سال به آنها زده‌اند پایه و اساسی ندارد و صرفاً ریشه در این تفکر ناصواب داشته است که اساساً در جمهوری اسلامی مقوله‌ای به نام «اعتراض» معنی ندارد و هرگونه اعتراضی مساوی است با ضدیت با نظام و اصل ولایت‌فقیه!».

حقیقتاً ایجاد ارتباط و تناسب بین یک اعتراض صنفی نظیر عدم حضور برخی رسانه‌ها در نمایشگاه مطبوعات با پدیده و حادثه بزرگی مثل فتنه 88 و آن شورش‌ها و اغتشاشات خیابانی و شعارهای ساختارشکنانه، تنها از مخیله و ذهن بسیط افرادی چون آقای علی مطهری برمی‌آید و گرنه هر کس که دو کلمه منطق تلمذ کرده باشد می‌داند که گرچه در مثل مناقشه نیست اما «ربط» و «تناسب» هم قواعدی عقلایی و منطقی هستند که ناگزیر در نوشتار و گفتار باید در نظر گرفته شوند.

متأسفانه به تجربه ثابت شده که آقای مطهری حافظه‌ای قوی ندارند و گرنه قبل از نوشتن این مطلب، صدها نمونه مختلف وجود داشت که می‌توانست به ذهن ایشان خطور کند و یادآور شود که همین رسانه‌های انصراف‌دهنده از نمایشگاه امسال، چه در دولت فعلی و چه در دولت گذشته «اعتراض»‌های متعددی به اجزا و بخش‌های مختلف این دولت‌ها داشته‌اند و ابراز کرده‌اند. و اصولاً اگر این رسانه‌ها «اعتراض» را به رسمیت نمی‌شناختند که خود به این دولت‌ها اعتراض نمی‌کردند و طبیعتاً مورد نوازش‌های سهمگین روسای جمهور گذشته و کنونی و برخی دولتمردان سابق و لاحق قرار نمی‌گرفتند.

اما طبیعی است که محمل اعتراض متفاوت است. تفاوت بین اعتراض به «نظام» و اعتراض به دولت یا هر بخش دیگری از اجزای حاکمیت امری کاملاً مقبول و پذیرفته شده و تجربه شده در ادوار مختلف است.

محمل اعتراضی رسانه‌های منتقد که منجر به عدم شرکت آنها در نمایشگاه امسال شد، کاملاً روشن است. از نگاه این رسانه‌ها معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد در مواجهه با رسانه‌های منتقد و موافق دولت نگاه تبعیض‌آمیزی داشته و به انحاء مختلف رسانه‌های منتقد را تحت

فشارهای مالی و حقوقی قرار می دهد. از یک سو یارانه این رسانه ها به بهانه های مختلف کاملاً قطع یا بسیار محدود شده و از سوی دیگر شکایت های متعددی از جانب دولت بواسطه معاونت مطبوعاتی علیه این رسانه ها مطرح شده و برخی از آنها مرتباً توقیف شده یا تذکر می گیرند. این در حالی است که رسانه های همسو با دولت یارانه های کلانی دریافت کرده و حتی چند رسانه منسوب به معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد به صورت میلیاردی یارانه گرفته اند که این امر نیز بسیار شائبه آفرین است.

از جانب دیگر، دولت محترم رسانه های منتقد را به واسطه همین «اعتراض» ها تحت محدودیت های شدید قرار داده به عنوان مثال حرف زدن درباره قرارداد ننگین « کرسنت» را ممنوع کرده و هر رسانه ای در این باره مطلبی منتشر کند بواسطه بخشنامه ای که معاونت مطبوعاتی ارسال کرده، دادگاهی می شود!

برخلاف دیدگاه آقای علی مطهری، رسانه های منتقد این رفتارهای تبعیض آمیز و ایجاد محدودیت ها و عملکردهای شائبه آفرین را ناشی از «نظام» قلمداد نمی کنند بلکه آنها را منبعث از عملکرد غلط و نامناسب برخی اجزاء و اشخاص می دانند که چون موجب مخدوش شدن هویت نظام هم می شود، باید به آنها اعتراض کرد و در مقابلشان ایستاد. شاید آقای علی مطهری به سیاق عهد دولت پیر و مرادشان آیت الله هاشمی رفسنجانی، در دولت کنونی هم عملکرد یک فرماندار یا معاون وزیر را مترادف را «نظام» بدانند و هر انتقادی از آنها را مساوی با اعتراض به نظام و حاکمیت تلقی کنند اما رسانه های منتقد نه در دولت گذشته «رحیمی و مشایی» و امثالهم را مترادف با نظام می گرفتند و نه در دولت کنونی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد را مساوی با نظام تلقی می کنند. فلذا آنجا که عملکرد چنین افرادی را نامناسب می بینند ابزار اعتراض را به رسمت می شناسند و از آن هم دفاع می کنند.

شاید اگر آقای علی مطهری وضعیت کنونی را نداشت و گرفتار سندروم «...و اما پاکستان» نبود، مسئولان رسانه های منتقد باید به ایشان رجوع کرده و به عنوان نماینده مردم از وی می خواستند که این «اعتراض» ها را پیگیری کند و دولت و معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد را به دلیل ایجاد مشکلات و محدودیت ها و تبعیض های پیش گفته مورد اعتراض قرار دهد؛ اما چه باید کرد که ایشان به واسطه دگردیسی هایی که در عرصه سیاست پیدا کرده، نوشی که نمی دهد هیچ، قربت الی الله، نیش هم میزند!

برگردیم به نکته نامربوط آقای مطهری که از «قیاسش خنده آید خلق را»!

حتی اگر قیاس مع الفارق ایشان در یکی پنداشتن جنس عدم حضور رسانه های منتقد در نمایشگاه مطبوعات با اعتراض به نتیجه انتخابات 88 را بپذیریم، در ادامه ماجرا باز هم پای استدلال ایشان شدیداً لنگ می زند! درست است که رسانه های منتقد در اعتراض به سیاست ها معاون وزیر ارشاد در نمایشگاه مطبوعات شرکت نکرده اند؛ هر چند برای نرفتن به نمایشگاه هم کمپین و اردوکنشی به راه نینداخته و حتی برخی از رسانه های همسو با آنان در نمایشگاه حضور بهم رسانده اند. اما آیا این رسانه ها در ادامه اعتراض خود، همانند رفتار دوستان آقای علی مطهری در فتنه 88 نمایشگاه مطبوعات را به آتش کشیده و شرکت کنندگان در آن را مورد ضرب و شتم قرار داده اند؟

آیا انصراف دهندگان از شرکت در نمایشگاه، هر روز در صحن این نمایشگاه به اسم میتینگ اعتراضی، آشوب و بلوای منجر به درگیری و خونریزی به راه انداختند و مثلاً به دفتر مدیریت نمایشگاه در مصلا حمله کرده و برگزار کنندگان را به گروگان گرفتند و با عوامل انتظامی و حراست نمایشگاه درگیر شدند؟ آیا در ماه محرم خیمه عزای امام حسین(ع) را آتش زدند و علیه اصل نظام شعار دادند؟

ای کاش آقای علی مطهری به جای آن که با ذهنیتی کینه ورزانه - و برای اصرار بر قافیه تنگ سالهای اخیرشان - اینگونه تیغ طعن بر رسانه های منتقد برکشند، لختی در خلوت خود درنگ می کردند که چرا این رسانه ها که به قول خود ایشان مدعی دفاع از نظام و ولایتمداری هستند باید عطای حضور در نمایشگاه را به لقای معاونت مطبوعاتی ببخشند؟ ای کاش آقای مطهری به عنوان وکیل مردم قدری با خود بیندیشند که گرچه من با این رسانه ها اختلاف سلیقه دارم اما آیا درباره حرفی که در نقد سیاست های تبعیض آلود معاونت مطبوعاتی ارشاد می زنند، نباید اندیشه کرد؟ آیا لیست یارانه ها و میزان پولی که به چند روزنامه مشخص داده شده و از دیگران دریغ شده، جای پیگیری ندارد؟ و...

اگر آقای مطهری اندکی با خود تامل کند، شاید غیر از «پاکستان» کشورهای دیگری هم در این ناحیه جغرافیایی وجود داشته باشند!